# بررسی روشهای تأمینمالی مشارکتی در بانکداری اسلامی در چارچوب تحلیلی ساختار - رفتار -عملکرد (SCP)

#### يرستو محمدي

استادیار گروه سیستمهای اقتصادی– اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس p.mohammadi@modares.ac.ir

یکی از دغدغههای برخی از صاحبنظران حوزه مالی اسلامی انطباق خدمات بانکی با اصول شرعی است. این نگرانی در خصوص عقود مشارکتی که دارای پیچیدگیهای بیشتری به ویژه در تقسیم سود و زیان است، دو چندان می شود. پژوهشگران چندی به مطالعه و تحقیق در این موضوع پرداختهاند و راهکارهایی برای رفع آن پیشنهاد دادهاند. هدف اصلی این پژوهش بررسی امکانپذیری و نحوه اثر به کارگیری این راهکارهاست. در واقع به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که با توجه به فضای محیطی و توان عملیاتی نظام بانکی کشور مناسب ترین راهکار چیست. به این منظور در چیارچوب روش تحقیق اسنادی -تحلیلی از پارادایم ساختار -رفتار -عملکرد (SCP) بهره گرفتهایم. جمع بندی تحلیل های این پژوهش نشان میدهد که با توجه به محدودیتهای موجود استفاده از مکانیسمهای انگیزشی در قرارداد یا تدوین قراردادهای تسهیلات مشارکتی انگیزه سازگاری که بتواند منافع تسهیلات گیرنده را تأمین نماید و با برخورداری از مکانیسم خود کنترلی در توان اجرایی بانک صرفهجویی نماید، می تواند هزینههای نظار تی بانک را کاهش داده و در بلندمدت فضای مشارکتی بین تسهیلات گیرنده و بانک را به سمت اعتماد، صداقت و شفافیت در تقسیم سود و زبان هدایت کند.

طبقهبندی JEL: 123، G28

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، تأمین مالی مشارکتی، چالش های بانکداری اسلامی، پارادایم ساختار -رفتار -عملکرد (SCP)

> ⊕ ۳۹۷/۶/۲۰ تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰ تاریخ یذیرش: ۱۳۹۸/۲۴

#### ١. مقدمه

با وجود آنکه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا بیش از ۳۵ سال می گذرد، اما هنوز پیاده سازی اصولی این قانون با چالشهای بسیاری در نظام بانکی کشور روبرو است. شناسایی رویه ها و الگوهای مطلوب تأمین مالی مشارکتی در نظام بانکی نیاز مند یک دیدگاه چندجانبه نگر است تا ضمن آنکه شرایط محیطی، بستر ساختاری و سازو کارهای عملیاتی را در نظر می گیرد، بتواند الگوهای اصلاحی سازگار با محدودیت های موجود را شناسایی نماید. به این منظور مطالعه حاضر برای شناخت ماهیت صنعت بانکداری در ایران و بررسی و تحلیل روشها و راهکارهای پیشنهادی برای اصلاح عملکردی تسهیلات مشارکتی از رهیافت ساختار -رفتار -عملکرد (SCP) بهره گرفته است.

تمر کز این پژوهش در بخش خدمات بانکی بر تسهیلات مشار کتی یا عقد شرکت است و این تمر کز از آن جهت است که عقود مشار کتی وجه مشخصه بانکداری اسلامی است و به اعتقاد برخی از صاحب نظران این حوزه، مشارکت را می توان اساس بانکداری اسلامی دانست و سایر عقود به عنوان عقود کمکی قلمداد می شوند. شاید به همین علت باشد که بانکداری اسلامی در دنیا به بانکداری از نوع مشارکت در سود و زیان ۱ معروف شده است (تو تو نچیان، ۱۳۷۹).

این مقاله در هفت بخش به شرح ذیل ارائه می شود. در بخش اول مفهوم عقد شرکت و ویژگی های خاص آن بیان می شود. در بخش دوم ساز و کارهای تأمین مالی مشارکتی برای بنگاه های کوچک و متوسط به کار رفته در برخی کشورهای اسلامی را بیان می کنیم. در بخش سوم مروری داریم بر مطالعات پیشین در حوزه روشهای پیشنهادی محققان برای بهبود و اصلاح مشکلات پیاده سازی و یا توسعه به کارگیری تأمین مالی مشارکتی در نظام بانکی کشور. در بخش مشکلات پیاده مزایا و معایب این روشها می پردازیم. در بخش پنجم پارادایم

<sup>1.</sup> Profit & loss Sharing (PLS)

ساختار -رفتار -عملکرد (SCP) را معرفی نموده و جریان اثر بخش در صنعت بانکی کشور را در قالب این پارادایم شناسایی می نماییم. سپس اثر به کارگیری هر یک از روشهای پیشنهادی تأمین مالی مشارکتی را در چارچوب پارادایم (SCP) تحلیل می نماییم. در بخش ششم این مقاله امکان به کارگیری این روشها را در چارچوب زمانی بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت با توجه به شرایط محیطی و توانمندی های مورد نیاز می سنجیم. در نهایت در بخش هفتم مقاله جمع بندی و نتیجه گیری تحلیل ها را ارائه می دهیم.

#### ۲. مفهوم شرکت و وجه امتیاز عقود مشارکتی

شرکت عبارت است از این که یک چیز برای دو نفر یا بیشتر باشد و آن یا در عین است یا دین، یا منفعت، یا حق (امام خمینی،۱۳۶۷). از میان انواع مختلف شرکت یعنی شرکت اعمال یا ابدان، شرکت وجوه، شرکت مفاوضه و شرکت العنان فقط آخرین مورد نزد فقهای شیعه معتبر است. شرکت العنان به معنی تساوی دو شریک در داشتن حق فسخ، تصرف و سود بردن به اندازه سرمایه است. موضوع شرکت می تواند عین، منفعت یا حق باشد یا از یکی از چهار سبب شرکت (ارث، عقد، حیازت، مخلوط شدن دو مال) به وجود آمده باشد. این نوع شرکت نزد شیعه و سنی معتبر است (شهید ثانی، ۱۳۸۸).

منظور از تأمین مالی مشارکتی در بانکداری اسلامی در این پژوهش، عقد (قرارداد) شرکت است (از نوع شرکت العنان) که فی مابین طرفین قرارداد یعنی تسهیلات گیرنده و تسهیلات دهنده بسته می شود و به موجب آن طرفین در سود و زیان فعالیت اقتصادی شریک می شوند. وجه غالب در مفه و مشارکت اقتصادی در این پژوهش بیشتر فعالیت تولیدی و احداث می باشد.

"اصل مشارکت انعطاف خاصی به نظام بانکداری اسلامی می دهد که بانکداری را به صورت یکی از اجزای ضروری و درونزای سیستم اقتصادی و حتی قلب سیستم در می آورد در آن مکانیز مهایی تعبیه شده است که اقتصاد جامعه را از شرایط رکودی رهایی بخشیده و به ساحل

<sup>1.</sup> Integral Part

نجات راهنمایی مینماید. زیرا که بانک در این سیستم واسطه تأمین سرمایه سهام به واحدهای تولیدی میباشد و از طریق مشارکت مستقیم بر نحوه به کارگیری سرمایههای تزریق شده از طریق نظام بانکی به جامعه نظارت و کنترل دارد " (توتونچیان، ۱۳۷۹).

اگر چه به کارگیری عقود مشارکتی هزینه های نظارتی را به بانک تحمیل می کند، اما از طرفی به کارگیری این عقود تضمین کننده رشد مداوم و اطمینان بخش اقتصاد است. در واقع، تسهیم ریسک و سود و زیان در عقود مشارکتی همانند یک تعدیل کننده مالی در نوسانات اقتصادی عمل می کند. به طوری که در دوران رونق و رکود هر دو طرف تسهیلات دهنده و تسهیلات گیرنده به نسبت سرمایه شان از نوسانات اقتصادی سهم می برند. با توجه به آثار مثبت این شیوه تأمین مالی، در صورت به کارگیری اصولی آن، حافظ ارزش منابع بانک خاصه در شرایط تورمی نیز خواهد بود.

# ۳. ساز و کارهای کشورهای اسلامی برای تأمینمالی مشارکتی با بنگاههای کوچک و متوسط

در مطالعه (2015) Rostom روشها و مدلهای تأمین مالی اسلامی که در کشورهای مصر، ترکیه، اردن، فلسطین اشغالی و اندونزی برای تأمین مالی بنگاههای کوچک و متوسط (SME) به کارگرفته می شود، توضیح داده شده است. این مدلها در ادامه به اختصار بیان می شوند.

در مصر، بانک بین المللی بازسازی و توسعه (IBRD) به سرمایه گذاری و ایجاد یک صندوق مشترک با بانکهای تجاری اسلامی میپردازد. سپس مشارکت با سهم الشرکه مساوی میان صندوق تشکیل شده غیراسلامی و بانک اسلامی صورت می گیرد. این صندوق جدید، از طریق نهادهای واسط، بهصورت مضاربه، مرابحه، اجاره و ... اقدام به تأمین مالی برای SMEها می کند.

در ترکیه، صندوق توسعه اجتماعی (SFD) درچارچوب قرارداد و کالت با بانک توسعه صنعت ترکیه، به ارائه خدمات مالی اسلامی به بنگاه های کوچک و متوسط می پردازد. در این

\_

<sup>1.</sup> Equity - capital

مدل، بانک توسعه صنعت ترکیه از طریق انعقاد قرارداد و کالت به صندوق های واسط، اجازه فعالیت می دهد. همچنین بازپرداخت منابعی که در اختیار این صندوق های واسط است را برای سهامداران منابع اصلی، ضمانت می کند.

در اردن دسترسی SMEها به تسهیلات بانکی از طریق ضمانت نهاد واسط سوم با قرارداد کفالت رخ می دهد.

در غزه، برنامه ضمانت اعتباری ویژه SMEها به صورت زیر تبیین شده است. منابعی که به صورت هدایا از طریق صندوق های سرمایه گذاری (که به صورت صندوق تکافل ایجاد می شود) در اختیار صندوق های واسط قرار می گیرد و با محاسبه حق مدیریتی از آن، در اختیار SMEها قرار می گیرد.

در اندونزی، موسسه مالی بین المللی (IFC) برای تأمین مالی SMEها در یک صندوق مضاربه که توسط بانک اسلامی مایبانک اندونزی (BMSI) مدیریت می شود، سرمایه گذاری می کند. همچنین در مدلی دیگر که به منظور انجام فعالیت بین المللی است، فروشنده کالا، کالای خود را به بانک آلمان به عنوان نهاد واسط می فروشد. این بانک، کالا را به واسط تخصصی (اپراتور خصوصی اندونزی که نقش تضمین کننده را دارد) می فروشد تا به خریدار نهایی تحویل شود. همچنین با اطمینان از تأمین کالای مورد نیاز، هزینه انجام خدمات بر روی کالا نیز به مجری طرح پرداخت می شود (Rostom 2015).

در پاکستان، بانک SME در سال ۲۰۰۱ به عنوان یکی از بازساختاردهیهای مالی دولت در پاکستان تاسیس شد. بانکداری اسلامی در پاکستان به SMEها از طریق مضاربه، مرابحه و اجاره، خدمات مالی ارائه می کند (Qureshi & Herani, 2011).

نکته بارز مدلهای مطرح شده تأمین مالی اسلامی بنگاههای کوچک و متوسط در کشورهای مصر، ترکیه، اردن، فلسطین اشغالی، اندونزی و پاکستان وجود حمایت مالی یک نهاد دولتی از تشکیل صندوقی با کمک بانکهای تجاری اسلامی یا موسسات مالی خصوصی برای تأمین مالی بنگاههای کوچک و متوسط است. نکته حائز اهمیت دیگر در این مدلها حضور یک نهاد واسط سوم، برای تسهیل در امر تأمین مالی این بنگاههاست. این نهاد سوم، که عمد تا با نام «صندوق» فعالیت می نمایند، گاه ضمانت بازیر داخت تسهیلات به بنگاهها را برعهده دارند و گاه در نقش فعالیت می نمایند، گاه ضمانت بازیر داخت تسهیلات به بنگاهها را برعهده دارند و گاه در نقش

کفالت و یا و کالت، مدیریت قرارداد با بنگاهها را برعهده دارند. البته تأمین مالی بنگاهها لزوماً مشارکتی نیست و از سایر عقود اسلامی نظیر اجاره و مرابحه نیز استفاده می شود.

#### **٤. راهکارهای پیشنهادی مطالعات داخلی در استفاده از عقود مشارکتی در بانکها**

وجود نارساییهای موجود در پیادهسازی اصولی بانکداری اسلامی به ویژه در عقود مشارکتی، نویسندگان داخلی را طی سالهای گذشته برآن داشته است تا راهکارهای مختلفی برای جبران این کاستی ها ارائه دهند. این مطالعات به صورت زیر خلاصه شدهاند:

احمدی حاجی آبادی و بهاروندی (۱۳۸۹) طی پژوهشی به راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشارکتی در نظام بانکی ایران پرداختند. در مطالعه آنها پیشنهاد شده است که عقدهای مشارکت محور در قالب بازار سرمایه پیگیری شود. در این بین موسسههای سرمایه گذاری در جایگاه یکی از نهادهای بازار سرمایه می تواند مناسب ترین نهاد برای اجرای این عقدها شمرده شوند. این موسسهها بر خلاف بانکها که نقش واسط پولی را در بازار پول ایفا می کنند، قادر هستند منابع پولی را از بازار پول دریافت و به بخش واقعی اقتصاد هدایت کنند. تشکیل صندوقهای سرمایه گذاری وابسته به بانکها و یا تشکیل صندوقهای سرمایه گذاری مستقل از بانکها دو راه پیشنهادی می باشد.

نظرپور و لطفی نیا (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی فرضیهای پرداختند که در آن صندوقهای پروژه محور می توانند طی سه مرحله بررسی تقاضا، نظارت و اجرا و حسابرسی و تسویه بانکها را در اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی یاری نمایند. صندوقهای پروژه محور به عنوان یکی از نهادهای فعال در بازار سرمایه به دلیل در گیر بودن با بخش واقعی اقتصاد و حضور مستقیم در این بخش و همچنین داشتن ارکان تخصصی همچون ارزشیاب و حسابرس توانایی کمک به بانکها برای اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی را دارا می باشند.

شعبانی و سیفلو (۱۳۹۰) بانک داری و کالتی و مشارکتی را مقایسه نموده و در نهایت به ارائه راهکار جدید پرداختند که ضمن استفاده از مزایای الگوی مشارکتی، از معایب هر دو الگو مصون باشد. در واقع الگوی پیشنهادی دارای خمیس مایه اصلی مشارکت است که با استفاده از

نو آوری های اوراق بهادار انتقال پذیر تقویت شده است. بانک، سپرده گذاران و بازار ثانویه (اوراق بهادار انتقال پذیر) سه رکن اصلی این الگو هستند. در این الگو بانک اسلامی در ازای سپرده های سپرده گذاران، اوراق مشارکت صادر می کند. این اوراق خاصیت انتقال پذیری دارد. یعنی پس از انتشار اوراق مشارکت توسط بانک، دارندگان اوراق مشارکت (سپرده گذاران حسابهای مشارکتی) می توانند آن را در بازار ثانویه خرید و فروش کنند. آنها می توانند با توجه به عملکرد بانک صادر کننده اوراق و سود مورد انتظار طرحهای بانک مذکور، سود اوراق خود را در هر لحظه دریافت کرده، اوراق را منتقل نمایند. بانک نیز منابع حاصل از انتشار اوراق مشارکت را در طرحهای گوناگون سرمایه گذاری می کند. در پایان سر رسید، سود اوراق توسط بانک به دارندگان آن تحویل می شود.

نظر پور و کشاورزیان (۱۳۹۲) به ارائه مدلی برای نظام بانکی با محوریت بهره گیری از عقد مشارکت حقوقی با ویژگی کلیدی تحقق سود و زیان واقعی پرداختند. براساس نظر نویسندگان، مشکلات و موانع اجرای عقود مشارکتی (مضاربه – مشارکت مدنی) در نظام بانکی، عدم اصلاح آن در سه دهه اخیر، روند نزولی کیفیت انعقاد قراردادهای مشارکتی در دهه اخیر و ... حاکی از چالش های اساسی در اجرای صحیح این عقود است و مشارکت حقوقی هیچ کدام از مشکلات مشارکت مدنی را ندارد.

موسویان (۱۳۹۰) در کتاب اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، الگوی جدیدی متشکل از چهار نوع بانک (قرض الحسنه، تجاری، تخصصی و توسعهای و جامع) و چهار نوع موسسه اعتباری غیربانکی (مالی اعتباری، تعاونی اعتبار، لیزینگ و قرض الحسنه) با ماموریتهای مختلف و روشهای مناسب در عرصه تجهیز و تخصیص منابع پیشنهاد شده است. در این الگو میبایست بانکهای تجاری و موسسههای اعتباری غیربانکی به تدریج سهم قراردادهای مشار کتی را کم کرده و روی قراردادهای مبادلهای متمر کز شوند. بانکهای تخصصی با کاستن از سهم قراردادهای مبادلهای به عقدهای مشار کتی همت گمارند و بانکهای جامع با برنامهریزی دقیق حسابداری به سمت تفکیک بخش های سه گانه غیرانتفاعی، تجاری و تخصصی حرکت کنند.

نصر آبادی و شعبانی (۱۳۸۷) به چالشهای بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن پرداختند. در مطالعه ایشان برای اجرای صحیح قرارداد مشارکت و نیز برطرف کردن چالشهای مذکور راهکارهای ارائه شده عبارتاند از:

- مشاركت كاهش يابنده (فروش تدريجي سهم بانك به متقاضي)
- قراردادهای تشویقی (تحریک متقاضی به تلاش بیشتر و ارائه گزارش صحیح سود و زیان)
  - سمه قرار دادها
  - در نظر گرفتن حساب ویژه برای زیانهای احتمالی
- توزیع ریسک تسهیلات پرداختی و کاهش سهم سود بانک (برای مقابله با شوکهای اقتصادی و دوران رکود)

میسمی و شهیدی نسب (۱۳۸۹) به بررسی تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در کشور سریلانکا پرداختند و بر شیوه ارائه مرحلهای تأمین مالی خرد اسلامی به عنوان یکی از شیوه های موجود تمرکز می کند. در این روش موسسه تأمین مالی خرد اسلامی در مرحله اول با گروه های مشتریان، عقود مبادلهای (مانند مرابحه) منعقد کرده و پس از آنکه گروه موفقیت خود را در استفاده صحیح از منابع و همچنین تعهد خود به بازپرداخت وام دریافتی به موسسات اثبات کرد، در مرحله بعد مستحق دریافت وام براساس عقود مشارکتی می گردد.

بهاروندی و احمدی حاجی آبادی (۱۳۹۱) به خطر اخلاقی در عقود مشارکتی و ارائه الگویی کاربردی جهت کاهش آن پرداختند. به منظور کاهش خطر اخلاقی، مدل ساده و کاربردی حبیب احمد (۲۰۰۵) را که یک مکانیسم انگیزشی است، پیشنهاد دادهاند. میزان جایزه یا تنبیه به تفاوت میزان سود واقعی پروژه بعد از بازرسی و میزان سود اعلامی بنگاه بستگی دارد.

توتونچیان (۱۳۷۹) برای حرکت به سمت اجرای صحیح بانکداری اسلامی به ویژه گسترش به کار گیری عقود مشارکتی در بانکها راهکارهایی ارائه نموده است. موارد ذیل از کتاب ایشان قابل استخراج است:

- آغاز حرکت در یک مقیاس کوچک مثل باز کردن یک باجه در شعب بانکی کشور و یـا در بک بانک در برخی از استانهای کشور
  - ایجاد سپردههای جدید تحت عنوان سپرده ممتاز و سپرده عادی
    - مداخله شخص ثالث برای حسابرسی
      - استفاده از کارگزاران مشاور
    - ایجاد کمیته مشورتی بانکداری اسلامی
    - نیاز فوری به دوائر نظارت و کنترل در بانکهای کشور
- انگیزه و تشویق سرمایه گذاران برای مشارکت از طریق واگذاری سهام شرکتهای تأمین مالی شده توسط بانکها در بورس
- ایجاد انگیزه برای کارکنان در اجرای بهتر عقود از طریق سهیم کردن آنان در سود بانک صفاریان طوسی و خدایی (۱۳۹۵) پیشنهادهایی به شرح ذیل جهت صحیح اجرا شدن عقد مشارکت مدنی در مقام عمل ارائه داده اند:
  - آموزش مشتریان و کارکنان بانک
  - اصلاح آیین نامهها و حذف برخی محدودیتهای موجود در پرداخت تسهیلات
    - موضوع سنجى و بازار سنجى اوليه توليدات و محصولات
      - نظارت کارشناسانه در طول مدت قرارداد
    - التزام به تقسيم سود مشاركت مدنى براساس سود محقق شده
      - پذیرش ریسک زیان قراردادهای مشارکتی توسط بانکها
    - عدم تمدید تسهیلات مشارکت مدنی به روشهای غیرشرعی
- انجام نظارت شرعی به صورت میدانی و الکترونیکی در زمینه رعایت موازین شرعی علاوه بر شیوههای معمول بازرسی بانکها

با تعمق در مطالعات مطرح شده می توان گفت که برخی از راهکارها بیشتر ناظر بر رفع موانع المجستیکی اداره تسهیلات مشارکتی هستند. برخی دیگر بیشتر برای سهولت در حسابرسی مالی و تقسیم سود و زیان شکل گرفته است. بعضی دغدغه عملکرد به دور از مسولیت گریزی

تسهیلات گیرنده و تشویق او به عملکرد شفاف و اخلاقی را مد نظر داشتهاند. برخی نیز استفاده از شیوههای انگیزشی، کنترلی و ساختاری را برای توانمند سازی بانکها در اجرای عقود مشارکتی پیشنهاد میدهند.

### ٥. مزایا و معایب روشهای تأمینمالی مشارکتی در بانکها

در این بخش راهکارهای تأمین مالی مشارکتی که توسط محققان در دو بخش قبلی به آنها اشاره شد، به انضمام راهکارهایی که در این مقاله پیشنهاد شدهاند را در سه دسته زیر طبقه بندی مینماییم و به بیان مزایا و معایب آنها می پردازیم:

۱. تو سعه های قرار دادی

۲. اصلاحات عملیاتی (تغییر در رویه ها و فرایندهای عملیاتی و ساز و کار اداری موجود)
 ۳. تغییرات بنیادی یا ساختاری در ارائه خدمات تأمین مالی مشارکتی

#### ٥-١. راهكارهاى توسعههاى قراردادى

منظور از توسعه های قراردادی به کارگیری قراردادهای انگیزه سازگاری است که انگیزه منظور از توسعه های قراردادی به کارگیری قراردادهای انگیزد. موارد ذیل در این دسته می گنجند:

الف) مشارکت متناقصه: مشارکت متناقصه یکی از شیوه های تأمین مالی مشارکتی است که به دلیل بر آورده کردن انگیزه تسهیلات گیرنده و واگذاری مرحله به مرحله پروژه به تسهیلات گیرنده مسأله عدم تقارن اطلاعاتی و خطر اخلاقی تسهیلات گیرنده را به حداقل می رساند. از طرفی حسابداری و حسابرسی آن نیز به دلیل ماهیت عقد ساده می باشد. ضمن اینکه در شرایط تورمی به دلیل واگذاری مرحله ای مطابق با قیمت روز منافع بانک را در مقابل افزایش تورم حفظ می نماید.

ب) مشارکت حقوقی: یکی دیگر از عقود مشارکتی که مسأله ارزیابی، کنترل و حسابرسی آن به دشواری مشارکت مدنی نمی باشد، مشارکت حقوقی بانک با تسهیلات گیرنده است. اما از طرفی به کارگیری این نوع مشارکت در سطح وسیع برای بانک ها مقدور نمی باشد. چون نیاز مند حضور یک نماینده متخصص از جانب بانک در هیات مدیره شرکت تأمین مالی شده به کمک بانک

می باشد و چنانچه قرار باشد تعداد این نوع تأمین مالی مشارکتی گسترش یابد، تأمین این نیروهای متخصص برای بانک و هم چنین نظارت بر عملکرد آنها از توان بانک خارج می گردد. بنابراین این نوع تأمین مالی می تواند برای پروژهها و یا شرکتهای بزرگ و در سطح محدود به بانکهای متقاضی توصیه شود.

ج) تدوین قراردادهای انگیزه سازگار: آنچه که در قراردادهای تأمین مالی مشارکتی موجود عموماً دیده می شود که طبیعتاً با فضای ارائه این نوع خدمات تأمین مالی مشارکتی حال حاضر مطابقت دارد، نبود مکانیزمهای انگیزشی و کنترلی ناظر بر حسن اجرای قرارداد مشارکت (به معنای واقعی مشارکت در سود و زیان) می باشد. این مکانیزمهای انگیزشی و کنترلی می تواند هم از منظر شفافیت و صحت در ارائه حسابهای مالی و هم از منظر مصرف منابع در قراردادهای تأمین مالی مشارکتی لحاظ شود. قابل توجه است که وجود بسترهای سیستمهای اطلاعاتی لازم نظیر دسترسی بانک به سامانه مالیاتی و زارت اقتصاد و دارایی، و سامانه یکپارچه نظام بانکی و سامانه ارزیابی و اعتبار سنجی مشتریان بانکی برای اتخاذ رویکردهای انگیزشی در تنظیم قراردادهای تأمین مالی مشارکتی نقش حایز اهمیتی می یابد.

### ٥-٢. راهكارهاي اصلاحات عملياتي

منظور از اصلاحات عملیاتی تغییر در رویهها و ساز و کارهای اداری موجود در عقود مشارکتی به نحوی است که انظباق عملیاتی آن را با اصول مورد انتظار از انجام مشارکت بر آورده سازد. با توجه به کمبودهای لجستیکی بانک از نظر نیروی انسانی و تخصصهای لازم در ارزیابی، نظارت و کنترل و حسابرسی پروژههای مشارکتی در میان مدت می توان از قابلیتها و تخصصهای خارج از بانک برای جبران این کاستیها استفاده نمود. راهکارهای ذیل از جمله این موارد می باشند:

الف) برون سپاری نظارت بر قراردادهای مشارکتی: یکی از مشکلاتی که معمولاً برای به کار گیری تسهیلات مشارکتی عنوان می شود نیروی انسانی لازم برای نظارت بر حسن اجرای قرارداد می باشد. اگر بانک تمایلی به گسترش نیروی انسانی خود در حوزه نظارت بر پروژهها را نداشته باشد می تواند از توانمندی های موجود در سازمان ها و نهادهای تخصصی مرتبط با موضوع

پروژه (مثلاً در احداث هتل ها از سازمان گردشگری، در احداث واحدهای صنعتی از نیروهای وزارت صنعت، معدن تجارت یا سازمان گسترش و...) و یا از شرکتهای مشاوره استفاده نماید. البته استفاده از این راهکار ممکن است هزینه های نظارت را بر تسهیلات گیرنده تحمیل نماید. اما به کارگیری این روش نیازمند وجود توانمندی های مدیریتی لازم در بانک ها برای ارتباط، کنترل و اعتماد به ناظران خارجی می باشد.

ب) برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژهها: در صورت کمبود نیروی انسانی متخصص در بانکها برای ارزیابی پروژهها و اعتبار سنجی متقاضیان تسهیلات مشارکتی و در صورت امکان واگذاری اطلاعات مربوطه به شرکتهای مشاوره، بانکها می توانند از توان تخصصی خارج از سازمان استفاده کنند. این نوع شرکتها می توانند به صورت وابسته به بانک و با استفاده از نیروهای تخصصی بازنشسته بانکی و یا به صورت ایتلافی توسط بانکهای مختلف احداث شوند. بدیهی است به کارگیری این شیوه نیاز به توانمندیهای مدیریتی و ساز و کارهای انگیزشی، نظارتی و کنترلی بر عملکرد این شرکتها از سوی بانک دارد.

ج) برون سپاری حسابرسی: یکی از دشواری های به کار گیری تسهیلات مشارکتی مسأله حسابرسی صورتهای مالی تسهیلات گیرنده می باشد. در صورت نبود نیروی حسابرس کافی در بانکه ها و یا عدم تمایل بانکه ها برای توسعه منابع انسانی خود در این حوزه، انجام این فرایند می تواند به حسابرسان رسمی کشور واگذار شود. در این صورت هزینه این برون سپاری ممکن است بر تسهیلات گیرنده تحمیل شود. در صورتی که منابع تأمین مالی مشارکتی قابل توجه باشد این هزینه بار چندانی برای تسهیلات گیرنده محسوب نمی شود.

د) تفویض اختیار به واحدهای تسهیلات دهنده: پیچیدگی و ویژگی بعضی پروژهها، قراردادهای مشارکتی خاصی را می طلبد. هم چنین مدیریت و نظارت کارآمد بر اجرای این قراردادها شیوههای تشویقی و کنترلی خاصی را برای کارشناسان بانکی مربوطه اقتضا می نماید. از این رو تفویض اختیار در برخی تصمیم گیریهای مربوط به قراردادهای مشارکتی به گونهای که تفویض اختیار به کارشناسان بانکی ذیربط با افزایش مسئولیت پذیری و افزایش پاداش دهی آنها

همراه باشد، می تواند منافع بانک و به تبع آن سپرده گذاران را بیشتر بر آورد نماید. به کار گیری این شیوه در شعب خاصی از بانک که قبلاً کار آمدی اخلاق حرفهای شان را به اثبات رسانده اند قابل اجراست. این راهکار دور از واقعیت نمی باشد. هم اکنون برخی از بانک ها شرکتهای سرمایه گذاری تخصصی را برای مشارکت در پروژه های کلان ایجاد می نمایند به گونهای که این شرکت ها از آزادی عمل بالایی در تصمیم گیری مشارکت سرمایه گذاری در پروژه های عمرانی برخوردارند و حداکثر تلاش خود را برای کسب حداکثر منافع از منابع در اختیارشان به کار می گیرند، زیرا تأمین منافعشان در گرو عملکرد مدیریتی و عملیاتی شان می باشد.

هـ) به کارگیری ناظر ذی نفع (شرکتهای سرمایه گذاری وابسته و یا مستقل از بانکها): از عمده مشکلات اجرایی عقود مشارکتی، مسأله عدم تقارن اطلاعاتی و نظارت و مدیریت بر وجوه مالی پروژه می باشد. یکی از راهکارها برای رفع این مشکل قراردادن ناظری از سوی بانک بر پروژه می باشد که این ناظر خود در تأمین آورده (سرمایه) پروژه سهم محدودی دارد. تعیین محدوده این سهم بر عهده بانک می باشد. ناظر ذی نفع می تواند یکی از شرکتهای سرمایه گذاری وابسته به بانک و یا مستقل از بانک باشد. سامانه رتبه بندی و امتیازدهی به شرکتهای ناظر می تواند در بلند مدت بر حسن اجرای بهتر قراردادهای مشارکتی کمک نماید. حسن این راهکار صرفه جویی در منابع انسانی و هزینه های نظارتی بانک می باشد. از طرفی لازمه به کارگیری آن وجود ناظران معتبر می باشد. در کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا و وجود سامانه های امتیازدهی به ناظران این راهکار می تواند برای تسهیلات گیرندگان حقیقی نیز به کار رود. مثلاً در قراردادهای مشارکتی احداث ساختمان یکی از شرکا می تواند به عنوان ناظر بانک مسئولیت حسن اجرای قرارداد را بر عهده داشته باشد و عملکردش در سامانه امتیازدهی ناظران ثبر بسزایی در خودکنترلی ناظران خواهد داشت.

و) استفاده از صندوقهای پروژه محور: یکی از راهکارهای پیشنهادی برای شفافیت در حسابهای مالی تأمینمالی مشارکتی و سهولت در تقسیم سود و زیان استفاده از صندوقهای پروژه

محور است. این شیوه در بازار بورس تهران تجربه شده است اما به کارگیری از روش بازار گردانی، ارزش اوراق منتشر شده توسط این صندوقها را غیرواقعی مینماید.

(ز) استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه: در برخی از کشورهای اسلامی در تأمین مالی اسلامی پروژه ها نهادی تحت عنوان صندوق کفالت از سوی بانک، مدیریت قرارداد یا مدیریت پروژه را برعهده می گیرد. این راهکار می تواند صرفه جویی در منابع انسانی و هزینه های نظارتی بانک را سبب شود.

#### ٥-٣. راهكارهاي تغييرات بنيادي

در دسته تغییرات بنیادی ممکن است نقش بانک از شیوه سنتی خود به شیوه های غیرمتعارف تغییر نماید. موارد ذیل از آن جمله هستند که قاعدتا در بلندمدت می توانند کاربرد داشته باشند:

الف) به کارگیری پایگاههای داده برای نقش تسهیل گری ارتباطی: براساس این راهکار بانک به عنوان یک رابط بین تسهیلات گیرنده و سپرده گذار ایفای نقش مینماید. لازمه این راهکار وجود یک پایگاه اطلاعاتی از متقاضیان تسهیلات و سرمایه گذاران بالقوه و ریسک و بازده پروژهها و هم چنین ایجاد نهادهای حقوقی مرتبط میباشد. به عبارتی بانک وظیفه معرفی پروژههای نیازمند به سرمایه گذار را به سرمایه گذاران بالقوه بر عهده می گیرد ولی خود نقشی در سرمایه گذاری و یا مدیریت پروژه بر عهده ندارد. اما ممکن است ضمانت سرمایه گذاری در پروژه را بر عهده داشته باشد.

ب) تأمین مالی زنجیره تأمین: یکی از راهکارهای دیگر تأمین مالی زنجیره تأمین و یا مدیریت مالی زنجیره تأمین صنایع مختلف میباشد. در اینجا بانک وظیفه اتصال سطوح مختلف زنجیره تأمین به صنعت از تأمین کنندگان مواد، تولید کنندگان و عرضه کنندگان به بازار را از طریق مدیریت مالی امور آنها بر عهده می گیرد. این شیوه اکنون توسط برخی از شرکتهای مالی بزرگ در دنیا و توسط نرم افزارهای حسابداری خاص در حال انجام است. حسن این روش کاهش حجم متقاضیان تسهیلات در زنجیره تأمین مورد حمایت میباشد.

ج) تأمین مالی خوشه های صنعتی: راهکار تأمین مالی خوشه های صنعتی که شامل تولید کنندگان یک کالای خاص می باشد می تواند از دیگر راهکارهای گسترش مشارکت محسوب شود به گونه ای که بانک وظیفه اشتراک مالی اعضای یک خوشه را در انجام یک پروژه بزرگ تولیدی بر عهده بگیرد . این پروژه می تواند توسعه بازار صادراتی یک خوشه صنعتی و یا ایجاد یک مرکز تحقیق و توسعه مشترک بین اعضای خوشه و بانک مشارکت کننده باشد . حسن این روش امکان انجام فعالیت های بزرگ از طریق مشارکت بانک با اعضای خوشه در تسهیم ریسک و تأمین مالی پروژه می باشد .

د) ایجاد صندوقهای مشترک با اتحادیهها و اصناف: این راهکار برگرفته از طرح قانون «یک فوریت» عملیات بانکی بدون ربا مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴) است که به موجب آن سرمایه گذاری در فعالیت های تولیدی با استفاده از عقود مشارکتی توسط موسسات تخصصی مشاوره و تأمین مالی صورت می گیرد. در این طرح بانکها از انجام عقود مشارکتی منع می شدند و صرفا می توانستند در موسسات تخصصی مشاوره و تأمین مالی سهام داشته باشند. در نتیجه کار بنگاه داری از فعالیت های بانکی جدا می شد و تأمین سرمایه برای فعالیت های تولیدی توسط این موسسات انجام می گرفت که سهام داران آن اعضای یک صنف یا فعالیت تولیدی بودند.

اگر چه این ایده در سطح طرح باقی ماند، اما ما از این راهکار با عنوان ایجاد صندوق مشترک با اتحادیههای صنفی یاد می کنیم که وظیفه اصلی این صندوق رفع نیازهای مالی اعضای اتحادیه به ویژه از طریق مشارکت است. بنابر این بخشی از منابع از طریق بانک و بخشی از طریق اتحادیه به ویژه از طریق مشارکت است. بنابر این بخشی از منابع از طریق بانک و تسهیلات گیرنده و اعضای اتحادیه تأمین می شود. کاهش مسأله عدم تقارن اطلاعاتی بین بانک و تسهیلات گیرنده و هم چنین امکان نظارت بهتر بر مصرف منابع از طریق اتحادیهها از محسنات این روش ذکر می شود. اما اینکه بانکها در چه شرایطی مایل به چنین مشارکتی هستند جای تامل دارد. بدیهی است نرخ بازدهی بالای صنف مورد نظر و ساز و کارهای حقوقی لازم برای اطمینان از نبود فساد مالی در صندوق مورد بحث و امکان شفافیت و نظارت مالی بالا از جمله شرایط پیش نیاز بانکها برای انجام چنین مشارکتهایی است.

#### ۲. به کارگیری چارچوب تحلیلی ساختار - رفتار - عملکرد (SCP)

چارچوب تحلیلی SCP عمدتا برای تبیین روابط بین شرایط (بستر محیطی)، ساختار، رفتار و عملکرد صنعت به کار می رود. نقطه آغاز این چارچوب تحلیلی، ساختار صنعت و راهبردهای رفتاری بنگاهها است که عملکرد صنعت مزبور را مشخص می نماید. عملکردها می توانند به طرق مختلفی اندازه گیری شوند که در بحث ما می تواند مسأله صوری سازی قراردادها، وجود مطالبات معوق، کارایی در تخصیص منابع، شفافیت صورتهای مالی، کارایی در تجهیز منابع و میزان سود آوری بانکها مد نظر باشد. این عملکردها وابسته به رفتار بنگاهها نیز هستند و به عبارتی سیاستهای مختلف تجهیز و تخصیص منابع، سیاستهای تبلیغاتی، تحقیق و توسعه بانکهها، استفاده از فناوری اطلاعات و تکنولوژیهای نوین می تواند تبیین کننده عملکرد بانکها باشد.

از طرفی، به کارگیری شیوه های جدید مدیریتی چه در بخش عملیاتی و چه در بخش ارائه خدمات و تجهیز و تخصیص منابع و همچنین به کارگیری دانش تحلیل داده های کلان مشتریان و بخش بندی سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان و ارائه خدمات بانکی متناسب با نیاز هر بخش از مشتریان می تواند عملکرد یک بانک را از بانکها دیگر متمایز کند.

اما این رفتار ها به سهم خود به ساختار صنعت نیز بستگی دارد. یعنی میزان دولتی بودن بانکها، درجه تمرکز صنعت بانکی، وجود یا عدم وجود موانع ورود، امکان تمایز محصولات و خدمات بانکی، ساختار هزینه های عملیاتی بانکها، درجه تنوع و یکپارچگی فعالیت های بانک متفاوت است. علاوه بر این می توان به تاثیر شرایط عرضه خدمات بانکی نظیر به کارگیری تکنولوژی ATM و افزایش اتوماسیون بانکی، ایجاد شعبه های تمام خود کار (بدون نیاز به پرسنل بانکی) و دیجیتالی شدن خدمات بانکی (بانک همه جا و هرزمان در دسترس)، عمل در چاچوب استاندار دهای جهانی و شائد بازل ۳، گسترش نیاز به تعاملات مالی جهانی و شائره کرد.

همچنین ساختار به شرایط تقاضا نظیر بانک محور بودن اقتصاد کشور، وجود بازارهای تأمین مالی جایگزین، بازدهی سرمایه گذاری در بازارهای جایگزین بازار بانکی، حساسیت سپرده گذاران به نرخ سود بانکی، میزان متقاضیان تسهیلات بانکی و تاثیر پذیری تقاضای تسهیلات بانکی از نو سانات اقتصادی بستگی دارد.

#### ۱-۱. دیدگاههای مختلف از یارادایم SCP

می توان سه دیدگاه را از تفسیر پارادایم SCP مشخص کرد.

اولین جریان فکری را مکتب ساختار گرا می نامند. ایده اولیه آن از اینجا ناشی می شود که ساختار صنعت، راهبردهای رفتاری بنگاه ها و سطح عملکرد حاصل شده را تعیین می نماید. این جبر گرایی ساختاری شدیدا بنگاه ها را محدود می کند به اینکه یک تیپ رفتاری و عملکردی خاصی را از خود نشان دهند. به عنوان مثال تمرکز بالا در یک صنعت (ساختار) رفتار تبانی و توافقات بر روی قیمت (رفتار) را آسان می نماید، رفتاری که نرخ سود بالا (عملکرد) را برای صنعت ایجاد می کند (Torres-Blay, 2000).

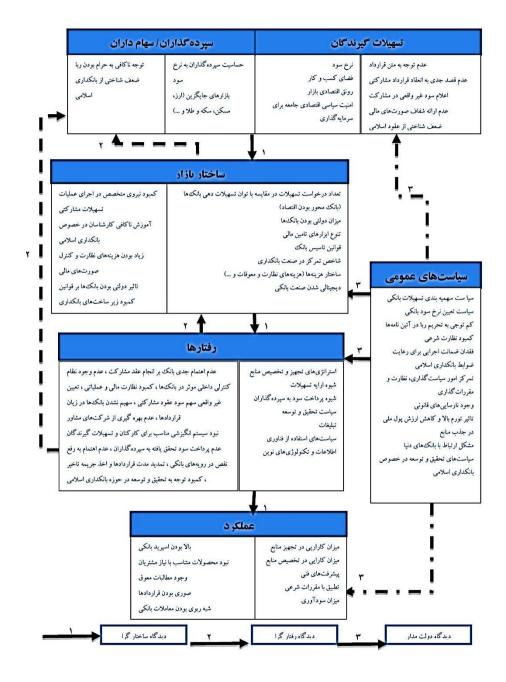
بر خلاف رهیافت ساختار گرا دومین جریان فکری که رفتارگرایی نامیده می شود اولویت را به رفتارهای بنگاههایی می دهد که یک صنعت را تشکیل می دهند. صنعت به عنوان یک مجموعه سازمان یافته از بازیگرانی درک می شود که با تهیه راهبردهای کاملا انفرادی در ساختن ساختار صنعت سهیم می شوند. ساختار صنعت منجمد تصور نمی شود بلکه با تکامل پیوسته از اعمال بنگاهها در حال ساخته شدن است. برای مثال نو آوری های صنعتی می توانند ساختار یک صنعت را تغیر دهند (ibid. p. 89).

همچنین می توان یک دیدگاه دولت مدار یا قدرت عمومی را پذیرفت که به عنوان یک مولفه قادر است به وضوح بر روی کلیه زنجیرههای سری SCP تاثیر بگذارد. نرخ مالیاتهای اجباری یا بر عکس یارانههای اختصاص یافته به برخی شرکتها عملکرد بنگاه را تغییر می دهند. همچنین میزان مالیات بر ارزش افزوده بر قدرت خرید مصرف کنندگان و از این رو شرایط اولیه تقاضا تاثیر می گذارد. علاوه بر این مقررات از نظر حقوق کسب و کار، حقوق تجاری یا حقوق کارگران چارچوب قضایی را برای رفتارهای راهبردی بنگاهها تعیین می کنند. سیاستهای مقررات زدایی، سیاستهای خصوصی سازی و حق امتیازهای ویژهای که تغییر ساختار صنعت را باعث می شوند

همگی نقش اثر گذار دولت را در رفتار بنگاه ها نشان می دهد. در نهایت می توان یک دیدگاه نظام مند را پذیرفت که با توجه به روابط متقابل ساختار و صنعت و رفتارهای بنگاه ها، در این نظام صنعتی، هر متغیری بر روی دیگر متغیرها تاثیر می گذارد. اما قابل توجه است که سری SCP یک خلا مهمی در خود دارد و آن این است که ابعاد داخلی استراتژی بنگاه یعنی نقاط قوت و ضعف بنگاه ها را در نظر نمی گیرد (ibid. p. 90).

#### ۲-۲. باز شناسایی جریان اثرگذار پارادایم SCP در نظام بانکی کشور

در این بخش با استفاده از مطالعات اقبال، اوصاف و خان (۱۹۹۸)، توتونچیان (۱۳۷۹)، موسویان (۱۳۹۸)، محقق نیا (۱۳۹۲)، مطالعات پشتیبان موسویان (۱۳۹۸)، حاجیان (۱۳۹۰)، عباس زاده (۱۳۹۲)، محقق نیا (۱۳۹۲)، مطالعات پشتیبان طرح تحول نظام بانکی (۱۳۹۲) و طباطبائی و محمدی (۱۳۹۵) سعی شده است چالش های بانکداری اسلامی و مشخصه های بارز هریک از عناصر پارادایم SCP یعنی شرایط بازار سپرده گذاری و تسهیلات، ساختار بازار، سیاست های عمومی، رفتار و عملکرد نظام بانکی را شناسایی و در شکل (۱)خلاصه نماییم.



شکل ۱. موارد اثرگذار بر نظام بانکی کشور در قالب سه دیدگاه از چارچوب تحلیلی SCP

در شکل فوق هر سه جریان ساختار گرا، رفتار گرا و دولت مدار دیده می شود. در اینجا ما به دنبال تمیز جریان غالب از میان سه جریان فوق الذکر هستیم. ا

در دیدگاه ساختار گوا، شرایط بازار بر ساختار بازار تاثیر گذاشته، ساختار بازار که بخش عرضه خدمات را شامل می شود بر رفتارهای بنگاه ها تاثیر گذاشته و رفتار بنگاه ها عملکرد صنعت را می سازد. در حالیکه از مطالعه عناصر شکل(۱) چنین بر می آید که ویژگی های تسهیلات گیرندگان و سپرده گذاران بیشتر تحت تاثیر فضای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است و ویژگی ها و معضلات مطرح شده در بخش ساختار بازار صنعت بانکی متاثر از شرایط بالادستی است. همچنین ساختار بازار لزوما شکل دهنده رفتار سیاستی بانکه ها نیست. به عبارتی جریان ساختار گرا در این صنعت نمی تواند جریان غالب باشد.

در دیدگاه رفتار گوا اقتدار رفتاری بنگاهها به گونهای است که هم بر ساختار و هم بر شرایط بازار تاثیر می گذارد. اما همان طور که از موارد عنوان شده در شکل (۱) دیده می شود در صنعت بانکی کشور لزوما این رفتارها و سیاستهای داخلی بانکها نیست که ساختار بازار را شکل می دهد . اگر چه رقابتهای نا سالم بانکها در جذب منابع (تجهیز منابع با هزینه بالاتر)، و سعی در کسب سود بیشتر از بازار (ارایه تسهیلات ریسکی تر) می تواند منجر به عدم تعادل در مدیریت منابع بانک شده و در نهایت ورشکستگی های پی در پی بانکها را رقم بزند که در این صورت انتظار می رود ادغامهای بانکی و اکتساب بانکهای ورشکستگی های فی در تماند توسط بانکهای قدر تمند تر صورت گرفته و در نتیجه ساختار صنعت بانکی متمر کزتر شود . با این حال به دلیل ناخوشایند بودن دومینو ی ورشکستگی بانکها در ایران و حمایت بانک مرکزی از بانکها برای جلوگیری از اتفاق چنین رخدادی، نمی توان پذیرفت که ساختار بانکی تحت تاثیر رفتار رقابتی بانکها متمر کزتر شود. یعنی نمی توان جریان رفتار گرا را برای این صنعت جریان غالب و اثر گذار بر شمر د.

۱. برای شرح مبسوط این بررسی به فصل هشتم از گزارش طرح "بررسی رویه ها و الگوهای مطلوب تامین مالی مشارکتی در بانکداری اسلامی" که به مسوولیت نگارنده برای وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام شده است، مراجعه شود.

در دیدگاه دولت مدار که می توان آن را یک دیدگاه تکمیلی برای پارادایم SCP بر شمرد، سیاستهای عمومی بر همه عناصر این سیستم تاثیر می گذارد . به عبارتی کم توجهی به تحریم ربا در آئین نامه ها، کمبود نظارت شرعی، فقدان ضمانت اجرایی برای اجرای ضوابط بانکداری اسلامی، سیاستهای تعیین نرخ سود بانکی حتی برای عقود مشارکتی از عواملی هستند که در عدم رفع نارساییهای عرضه خدمات اسلامی از سوی بانکها تاثیر بسزایی دارند . به عبارتی اگر بانکها به رعایت ضوابط اسلامی از سوی نهاد بالادستی شان ملزم می شدند و یا برای عدم رعایت ضوابط شرعی در خدمات بانکی مواخذه می شدند، در طی زمان به اصلاح رویههای عملیاتیشان در اعطای تسهیلات اسلامی و توزیع سود واقعی فعالیتها در بین سپرده گذاران همت می گماردند. از طرفی چنانچه سیاستهای توسعه فرهنگ بانکداری اسلامی از سالهای آغازین شکل گیری این نظام در صنعت بانکی کشور مورد اهتمام جدی قرار می گرفت، شاید اکنون سپرده گذاران مترصد جابه جایی سپرده هایشان برای کسب یک درصد بیشترسود علی الحساب نمی بودند. این در حالی است که بسیاری از همین سپرده گذاران در یکی دو دهه قبل از باز کردن هرگونه حساب پس اندازی که متضمن در بافت سود علی الحساب نود اکراه داشتند.

مطالعه عناصر و جریانات شکل(۱) نشان می دهد که اثر جریان دولت مدار بر جهت دهی رفتار سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان و ساختار بازار و رفتار راهبردی بانکها و عملکرد آن، نسبت به دو جریان ساختار گرا و رفتار گرا بارزتر و پررنگ تر می باشد . این مشخصه فضای صنعت بانکی کشور است که می بایست در تعیین راهکار مناسب توسعه تأمین مالی مشار کتی مورد توجه خاص قرار گیرد.

#### **3-3. بررسی اثر به کارگیری راهکارهای تأمینمالی مشارکتی در چارچوب تحلیلی SCP**

تأثیر به کارگیری روشها و راهکارهای تأمین مالی مشارکتی بر سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان، ساختار بازار، رفتار راهبردی بانکها و عملکرد بانک در جدول ۱ بیان شده است.

[ Downloaded from gjerp.ir on 2025-11-04 ]

جدول ۱. تحلیل تاثیر به کارگیری راهکارهای تأمینمالی مشارکتی در چارچوب تحلیلی SCP	SCP	در جارجوب تحليلي	ر مشارکتی	ن اهكارهاي تأمين ماله	ىە كا، گىدى	حدول ۱. تحليل تاثب
---	-----	------------------	-----------	-----------------------	-------------	--------------------

تاثیر بر عملکرد	تاثیر بر رفتار	تاثیر بر ساختار	تاثیر بر محیط	راهكار	
افزایش سود بانک به ویژه در شرایط تورمی	گسترش تأمینمالی مشارکتی	افزایش تقاضای تسهیلات	-	استفاده از مشارکت متناقصه	
کاهش هزینه نظارت	حمایت مالی شرکتهای بزرگ	-	-	مشاركت حقوقى	
کاهش هزینههای نظارت در بلندمدت	افزایش نظارت خودکنترلی در قراردادها	گسترش سامانههای رتبه بندی و امتیازدهی تسهیلات گیرندگان	گسترش صداقت، شفافیت مالی و اعتماد	درج مشوقهای مالی حسن اجرای قرارداد در عقود مشارکتی (قراردادهای انگیزه سازگار)	
کاهش صوری سازی عقود مشارکتی	صرفهجویی در منابع انسانی بانک	کوچک شدن واحد نظارت داخل بانک	گسترش همکاریهای برون سازمانی	برون سپاری نظارت از طریق استفاده از شرکتهای مشاوره	توسعههای قراردادی
کاهش ریسک تسهیلات مشارکتی	صرفهجویی در استخدام نیروی انسانی بانک		-	برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژهها	اصلاحات عملیاتی
افزایش سود بانک، کاهش صوری سازی عقود	تمرکز بر حسابرسی عقود	استفاده از منابع متخصص حسابرسی خارج از بانک	-	برون سپاری حسابرسی	عملیاتی
امکان افزایش سود آوری بانک	مدیریت بانکی انگیزه محور	گسترش ساختار غیرمتمرکز بانکی	-	تفویض اختیار به واحدهای تسهیلات دهنده	
کاهش صوری سازی عقود، کاهش هزینه و منابع نظارت	صرفهجویی در منابع نظارتی درون بانکی	امکان افزایش عرضه تسهیلات	-	به کارگیری ناظر ذینفع (شرکتهای سرمایهگذاری وابسته و یا مستقل از بانک)	

تاثیر بر عملکرد	تاثیر بر رفتار	تاثیر بر ساختار	تاثیر بر محیط	راهكار	
افزایش شفافیت	تفکیک پذیری حسابهای پروژهها	جذب سرمایه گذاران مشارکتی	گسترش فعالیتهای مشارکتی	ر ر استفاده از صندوقهای پروژه محور	
کاهش صوری سازی عقود، صرفهجویی در منابع نظارت بانکی	استفاده از تخصص خارج بانک	-	-	استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه	
تنوع خدمات بانکی، آزاد شدن بخشی از منابع بانکی	افزایش گستره خدمات بانکی، گسترش نقش اجتماعی بانک در اقتصاد	گسترش تقاضا و عرضه سرمایه گذاری مشارکتی بخش خصوصی	گسترش فرهنگ مشارکتی	به کارگیری پایگاههای داده برای نقش تسهیل گری ارتباطی	
آزاد شدن منابع بانکی	گسترش نقش اجتماعی بانک در اقتصاد	کاهش تقاضاهای انفرادی تسهلات شرکتهای زنجیره تأمین	گسترش فعالیتهای مشارکتی	سرمایهگذاری مشارکتی در تأمینمالی زنجیره تأمین	تغييرات
-	گسترش نقش اجتماعی بانک در اقتصاد	سرمایه گذاریهای استراتژیک	گسترش فعالیتهای مشارکتی	سرمایهگذاری مشارکتی در تأمینمالی خوشههای صنعتی	بنیادی
آزاد شدن منابع بانکی، کاهش هزینههای نظارتی بانک	عدم تمر کز در اعطای تسهیلات	سرمایه گذاریهای استراتژیک استفاده از منابع صندوق برای رفع نیازهای مالی اصناف	گسترش فرهنگ	ایجاد صندوقهای مشتر <i>ک</i> با اتحادیهها و اصناف	

مأخذ: نتايج تحقيق

بررسی و تحلیل موارد ذکر شده در جدول (۱) نشان می دهد که هر یک از راهکارها در یک یا چند جنبه ذیل می تواند در رفع یا کاهش کاستی های موجود تأمین مالی مشارکتی مؤثر باشد.

الف) راهکارهای رفع کمبود نیروی متخصص بانکی در اجرای قراردادهای تسهیلات مشارکتی: یکی از مسایل موجود برای اجرای صحیح عقود مشارکتی عدم وجود نیروی متخصص کافی در ارزیابی پروژهها، اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات، نظارت و حسابرسی و مدیریت قراردادها میباشد. این گونه مسایل عمدتا از طریق برون سپاری فعالیت به خارج از بانک و استفاده از نیرو و توان تخصصی خارج از بانک قابل حل میباشد. اما توانایی تمرکز زدایی فعالیت توسط بانک و پذیرش استراتژی کوچک کردن اندازه بانکها و وجود ظرفیت تخصصی در خارج از بانک شرط لازم برای عملی شدن این نوع راهکارها میباشد. این راهکارها عمدتا عبارتند از:

- برون سپاری نظارت از طریق استفاده از شرکتهای مشاوره
  - برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژهها
    - برون سپاری حسابرسی
  - استفاده از صندوق كفالت براى مديريت كامل پروژه

ب) راهکارهای رفع صوری شدن عقود مشارکتی: از جمله مشکلاتی که نظام بانکی ما با آن روبروست، مسأله صوری بودن عقود است. این مسأله در راهکارهای ذیل امکان رفع می یابد. مگر اینکه سیستم بانکی حتی در چارچوب این راهکارها هم به شیوه متعارف (پرداخت تسهیلات با نرخ مشخص) بخواهد عمل کند.

- مشاركت متناقصه
- مشاركت حقوقى
- به کارگیری ناظر ذینفع (شرکتهای سرمایه گذاری وابسته و یا مستقل از بانک )
  - استفاده از صندوقهای پروژه محور
  - استفاده از صندوق کفالت برای مدیریت کامل پروژه
- ج) راهکارهای کاهش بانک محوری نظام تأمین مالی: یکی از خصیصه های بارز نظام تأمین مالی کشور بانک محوری است. بیش از ۹۰ درصد تأمین مالی فعالیت های اقتصادی کشور از

کانال بانکها بر آورده می شود. به گونهای که منابع بانک پاسخگوی حجم بالای تسهیلات خواهی متقاضیان نمی باشد. برخی از راهکارهای پیشنهادی در این پژوهش امکان مشارکت بیشتر بخش غیربانکی را در تأمین نقدینگی فعالیتهای اقتصادی فراهم می آورد و به عبارتی از فشار وارده بر بانکها از این جهت می کاهد. اما وجود توانمندی های تخصصی و فنی و مدیریتی لازمه عملیاتی شدن چنین راهکارهایی می باشند. راهکارهای ذیل از این دسته اند:

- به کار گیری پایگاههای داده برای نقش تسهیل گری ارتباطی
  - مديريت مالي زنجيره تأمين
  - ایجاد صندوقهای مشترک با اتحادیهها و اصناف
- به کارگیری ناظر ذینفع (شرکتهای سرمایه گذاری وابسته و یا مستقل از بانک)
  - استفاده از صندوقهای پروژه محور

د) تغییر فرهنگ مشارکت: تدوین قراردادهای انگیزه سازگار یکی از شیوههایی است که در بلندمدت فضای مشارکتی بین تسهیلات گیرنده و بانک را به سمت اعتماد، صداقت و شفافیت هدایت می کند و هزینههای نظارتی بانک را در بلندمدت کاهش می دهد. این راهکار یکی از مناسبترین راهکارهایی است که از تغییر در استراتژی رفتاری بانک یعنی اصلاح قراردادهای مشارکتی از طریق رعایت انگیزه ذی نفعان، باعث می شود محیط فرهنگی و رفتار تسهیلات گیرندگان تحت تاثیر قرار گیرد. برای تحقق چنین امری وجود سامانههای رتبه بندی و امتیازدهی تسهیلات گیرندگان و ضمانت اجرایی بندهای قرارداد لازم می باشد.

#### تقسیمبندی زمانی راهکارهای تأمینمالی مشارکتی براساس قابلیت اجرا

در این بخش براساس میزان سهولت به کارگیری راهکارهای پیشنهادی تأمین مالی مشارکتی که به عواملی نظیر توانمندی تخصصی، عملیاتی و مدیریتی بانکها، سرمایه اجتماعی و فضای فرهنگی موجود در جامعه بستگی دارد، امکان به کارگیری راهکارها را در سه دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت طبقه بندی می کنیم.

#### ۷-۱. راهکارهای کوتاه مدت (قابل اجرا با توانمندیهای موجود)

منظور از راهکارهای کوتاه مدت راهکارهایی است که نیاز به ایجاد و یا کسب منابع و توانمندی جدیدی در بانکها نیست . در این بین می توان از راهکارهای زیر نام برد:

- استفاده از مشارکت متناقصه،
- استفاده از مکانیسمهای انگیزشی حسن اجرای قرارداد در عقود مشارکتی
  - استفاده از صندوقهای پروژه محور

## ۷-۲. راهکارهای میان مدت (قابل اجرا با کسب برخی توانمندیهای عملیاتی و مدیریتی)

منظور از راهکارهای میان مدت راهکارهایی است که بانک می بایست به منظور جبران کاستی ها در منابع و توانمندی عملیاتی و مدیریتی خود و ایجاد بهبود در اجرای عقود مشارکتی، اندکی در رویههای های عملیاتی و مدیرتی خود تغییر ایجاد کند. عمده این موارد ناظر بر استفاده از توانایی هایی خارج از سازمان است. برای این منظور هم بانک می باید از توانایی مدیریتی جدیدی برای ارتباط و مدیریت منابع خارج از سازمان برخوردار باشد و هم باید این توانایی و قابلیت اعتماد به آن در خارج از سازمان وجود داشته باشد. راهکارهای ذیل از آن جمله اند:

- مشاركت حقوقى
- برون سپاری نظارت از طریق استفاده از شرکتهای مشاوره
  - برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و ارزیابی پروژهها
    - برون سپاری حسابرسی
- تفویض اختیار به واحدهای تسهیلات دهنده در بانک (با مکانیسم انگیزشی مالی)
- به کارگیری ناظر ذینفع (شرکتهای سرمایه گذاری وابسته و یا مستقل از بانکها)
  - استفاده از صندوق كفالت براى مديريت كامل پروژه

## ۷-۳. راهکارهای بلند مدت (قابل اجرا با کسب توانایی تخصصی وفنی و سرمایه اجتماعی بالا)

منظور از راهکارهای بلندمدت راهکارهایی است که تواناییهای تخصصی و فنی و سرمایه اجتماعی بالایی را می طلبد. بدیهی است که فراهم شدن این زیرساختها نیازمند زمان است. موارد ذیل از آن جمله اند:

- به کار گیری پایگاههای داده برای سهولت ارتباط بین سپرده گذار و تسهیلات گیرنده
  - سرمایه گذاری مشارکتی در تأمین مالی زنجیره تأمین
  - سرمایه گذاری مشارکتی در تأمین مالی خوشه های صنعتی
    - ایجاد صندوقهای مشترک با اتحادیهها و اصناف
      - مشارکت مدنی کامل با تسهیلات گیرنده

ىلند مدت به کارگیری پایگاه های داده برای نقش تسهیل گری ارتباطی ميان مدت تامين مالى زنجيره تامين برون سپاری نظارت از طریق استفاده تامین مالی خوشه های صنعتی از شرکت های مشاوره مشارکت مدنی کامل با برون سپاری اعتبار سنجی مشتری و کوتاه مدت تسهيلات گيرنده ارزیابی پروژه ها استفاده از مشارکت متناقصه، برون سپاری حسابرسی استفاده از مکانیسم های انگیزشی تفویض اختیار به واحد های تسهیلات حسن اجرای قرارداد در عقود مشاركتي به کارگیری ناظر ذی نفع (شرکت های استفاده از صندوق های پروژه سرمایه گذاری وابسته و یا مستقل از محور استفاده از صندوق های پروژه محور استفاده از صندوق کفالت برای مديريت كامل پروژه مشاركت حقوقي

شکل ۲. تقسیمبندی زمانی راهکارهای گسترش تأمینمالی مشارکتی

#### ۸. جمع بندی و نتیجه گیری

این پژوهش که با هدف پیدا کردن مناسبترین راهکار برای توسعه تأمین مالی مشارکتی در نظام بانکی کشور شکل گرفت، به منظور بهره گیری از یک چارچوب تحلیلی چندجانبه نگر از پارادایم SCP برای شناسایی ماهیت فضای بانکی کشور و تحلیل اثر به کارگیری هر یک از راهکارهای تأمین مالی مشارکتی بر عناصر مختلف این سیستم از جمله سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان، ساختار بازار، رفتار راهبردی بانکها و عملکرد سیستم بهره گرفت.

در این مقاله اثر به کارگیری راهکارهای بیان شده توسط محققان و پیشن هادات خاص این تحقیق برای تأمین مالی مشارکتی در چارچوب پارادایم (SCP) بررسی شد. این راهکارها به سه دسته: الف) توسعههای قراردادی، ب) اصلاحات عملیاتی و ج) تغییرات بنیادی یا ساختاری طبقه بندی شده و تأثیر به کارگیری آنها بر سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان، ساختار بازار، رفتار راهبردی بانکها و عملکرد بانک تحلیل شد. جمع بندی این تحلیل نشان می دهد که هر یک از راهکارها در یک یا چند جنبه ذیل می تواند مؤثر باشد:

- رفع کمبود نیروی متخصص بانکی در اجرای قراردادهای تسهیلات مشارکتی
  - رفع صوری شدن عقود مشارکتی
  - كاهش بانك محوري نظام تأمين مالي
    - تغییر و بهبود فرهنگ مشارکت

امکانپذیری تحقق راهکارهای پیشنهادی براساس تطابق با شرایط محیطی، توانمندی و تخصصهای موجود نظام بانکی، توجه به انگیزه ذی نفعان و سهولت در پیاده سازی به سه دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت طبقه بندی شد. به منظور انتخاب راهکار ترجیحی از میان راهکارهای معرفی شده توجه به فضای محیطی و ماهیت عملکردی بانکداری اسلامی کشور اهمیت می یابد.

تحلیل SCP صورت گرفته برای شناسایی جریان غالب از میان سه جریان ساختار گرا، رفتار گرا و دولت مدار در صنعت بانکی کشور نشان داد که جریان غالب در این صنعت دولت مدار میباشد. یعنی نقش غالب نهادهای سیاست گذار در این حوزه بر کلیه عناصر آن مشهود است. به عبارتی رفتار سپرده گذاران، تسهیلات گیرندگان و عوامل بانکی بسیار متاثر از سیاستها، قوانین و آیین نامههای بانکی و توان نظارتی نهادهای ذیربط میباشد. تکرار چندین و چند ساله بیان مشکلات در مطالعات محققان، نشان از عدم همت و باور کافی برای رفع موانع بانکداری اسلامی در سطح اثر گذاران این صنعت دارد. فضای حاکم بر عملکرد کارشناسان بانکی متاثر از چنین محیطی است به گونهای که الزامی برای رعایت اصول عقد مشارکت و تس هیم سود و زیان دیده نمی شود. بلکه آنچه صورت می گیرد تطابق با آیین نامه های موجود برای تکمیل فرم ها، امضای قرارداد، اعطای تسهیلات و اخذ اصل و فرع تسهیلات است.

با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی کنونی جامعه و صنعت بانکی و عدم عزم جدی برای اصلاح آن، راهکارهایی در اولویت قرار می گیرند که با کمترین امکانات و کمترین مقاومت در برابر تغییر، امکان اصلاح فرهنگ استفاده از تس هیلات مشارکتی را در جامعه فراهم نمایند. بر این اساس، از میان راهکارهای معرفی شده استفاده از مکانیسمهای انگیزشی یا تدوین قراردادهای تسهیلات مشارکتی انگیزه سازگاری که بتواند منافع تسهیلات گیرنده را تأمین نموده و و به دلیل برخورداری از مکانیسم خود کنترلی در توان اجرایی و نظارتی بانک صرفه جویی نماید، در اولویت قرار می گیرد . به ویژه که این قراردادها در بلندمدت می تواند فضای مشارکتی بین تسهیلات گیرنده و بانک را به سمت شفافیت، صداقت و اعتماد سوق دهد . در این راستا بهره گیری از سامانه های ر تبه بندی و امتیازدهی تس هیلات گیرندگان می تواند کمک شایانی به بایبندی به مفاد قراردادهای مشارکتی نماید.

#### منابع

احمدی حاجی آبادی، سید روح الله و احمد بهاروندی (۱۳۸۹)، "راهکارهای اجرای صحیح عقدهای مشار کتی در نظام بانکی ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸.

اقبال، منور و احمد اوصاف و طریق الله خان (۱۹۹۸)، چالش های پیش روی بانکداری اسلامی، مترجمان: حسین میسمی و مسلم بمانپور، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ دوم.

بهاروندی، احمد و سید روح الله احمدی حاجی آبادی (۱۳۹۱)، "خطر اخلاقی و ارائه الگوی کاربردی کاهش آن در عقود مشار کتی"، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، سال نهم، شماره ۱۷.

تو تونچیان، ایر ج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه ای، انتشارات توانگران. حاجیان، محمد رضا (۱۳۷۹)، موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

خمینی، روح الله (۱۳۶۷)، تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳، دفتر انتشارات اسلامی شعبانی، احمد و سجاد سیفلو (۱۳۹۰)، "مقایسه تطبیقی بانکداری و کالتی و مشارکتی و ارائه راهکارهای جدید"، معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۵.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۸)، شرح لمعه دمشقیه، ترجمه عباس زراعت، انتشارات موسسه فرهنگی هنری دانش پذیر

صفاریان طوسی، مهدی و مهدی خدایی (۱۳۹۵)، مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی، انتشارات شاملو، چاپ اول.

طباطبائی، سید محمد جواد و پرستو محمدی (۱۳۹۵)، "استفاده از برون سپاری جهت بهبود چالشهای بانکداری اسلامی"، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هفدهم

عباس زاده، حسن (۱۳۹۲)، "بانکداری اسلامی:چالشها و راهبردها"، سایت اقتصاد آنلاین، قابل دستیابی در:

/بانکداری اسلامی؛ چالشها و راهبر دها 444 www.eghtesadonline.com/fa/content/21144 محقق نیا، محمد جواد (۱۳۹۲)، ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول

مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، طرح قانون «یک فوریت» عملیات بانکی بدون ربا. قابل بازیابی در: http://new.mbri.ac.ir/Default.aspx?pagename=islamicbankingpages&id=181708&La nguage=1

موسویان، سید عباس (۱۳۸۹)، اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامهریزی

میسمی، حسین و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۸۹)، "بررسی تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در کشور سریلانکا"، تازه های اقتصاد، شماره ۱۲۸.

نصر آبادی، داوود و احمد شعبانی (۱۳۸۷)، "چالشهای بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زبان و راهکارهای آن"، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره اول.

نظر پور، محمد نقی و اکبر کشاورزیان پیوستی (۱۳۹۲)، "الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبرد راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا"، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال دوم، شماره هفتم

نظر پور، محمد نقی و یحیی لطفی نیا (۱۳۹۴)، "اجرای صحیح تسهیلات مشارکتی در بانکداری اسلامی به کمک صندوقهای پروژه محور"، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، سال چهارم، شماره اول.

**وزارت امور اقتصادی و دارایی**(۱۳۹۲)، مطالعات پشتیبان طرح تحول نظام بانکی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.

Qureshi J., and G.M. Herani (2011). The Role of Small and Medium-size Enterprises (SMEs) in the Socio-economic Stability of Karachi. Online at http://mpra.ub.uni-muenchen.de/35624/

**Rostom A.** (2015). Opportunities for SMEs in the New Era of Islamic Financing. Kuala Lumpur: World Bank.

**Torres-Blay** (2000). Economie D'Entreprise: Organisation et Sterategie a l'aube de la nouvelle economie, Economica.